

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی در آذربایجان (۱۲۸۵ش / ۱۳۲۴ق)

عباس قدیمی قیداری^۱

(دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۶)

چکیده

بلافاصله بعد از صدور فرمان مشروطیت، نظام‌نامه انتخاباتی به‌منزله سازوکار و شیوه‌نامه چگونگی نخستین انتخابات مجلس شورای ملی تدوین و تصویب شد. بر اساس این نظام‌نامه، انتخابات صنفی و طبقاتی بود. صنفی بودن انتخابات با نقشی که طبقات مختلف در به ثمر رسیدن انقلاب مشروطیت ایفا کرده بودند، ربط وثیقی داشت. با وجود انتقاداتی که به نظام‌نامه وارد بود، به‌منزله نخستین تجربه در مسیر دموکراسی این نظام‌نامه راه مشارکت سیاسی را باز کرد. بعد از تهران، دومین شهری که به انتخابات دست زد، تبریز بود. نهادهای مردمی و مدنی تبریز عهده‌دار برگزاری این انتخابات شدند و با وجود برخی اشکالات و ابهامات، انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی در آذربایجان، تجربه قابل دفاع، پیشروانه و راه‌گشایی در تحقق مشارکت عمومی و حق تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی تلقی می‌شود. این پژوهش، نظام‌نامه انتخابات و جریان انتخابات آذربایجان را به‌منزله مسئله‌ای محوری در تجربه نخستین دموکراسی در ایران و آذربایجان با اتکا به منابع اصیل بررسی کرده است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب مشروطیت، نظام‌نامه انتخابات، مجلس شورای ملی، آذربایجان، انجمن تبریز.

۱. دانشیار تاریخ دانشگاه تبریز.

مقدمه

مجلس شورای ملی را می‌توان بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب مشروطیت ایران دانست. این مجلس تجلی حق تعیین سرنوشت و مشارکت مردمی در عرصه سیاست و اجتماع بود که برای اولین بار در تاریخ ایران اتفاق می‌افتاد. تأسیس مجلس شورای ملی که از وکلا یا نمایندگان مردم ایران تشکیل می‌یافت مستلزم یک سازوکاری بود که بتوان به اجرای آن جامعه عمل پوشانید. این سازوکار را برخی رجال سیاسی آشنا به اصول و قوانین جدید تهیه و تدارک دیدند و نام نظام‌نامه انتخاباتی بر آن نهادند. این نظام‌نامه انتخاباتی را می‌توان نخستین قانون موضوعه و مدون سیاسی جدید در ایران دانست.^۱ بر اساس این نظام‌نامه، نخستین انتخابات سراسری در ایران طی سال ۱۲۸۵/۱۳۲۴/۱۹۰۶ برگزار شد و مردم ایران در ۶ طبقه نخستین تجربه عملی مشارکت سیاسی و حق تعیین سرنوشت و مداخله در امر سیاست، اجتماع، فرهنگ و مسائل داخلی و خارجی را به دست آوردند. بعد از تهران، تبریز دومین شهری بود که بر اساس این نظام‌نامه با موفقیت، انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی را برگزار کرد. برگزاری این انتخابات با دشواری‌های خاصی همراه بود؛ ولی در نهایت، با وجود برخی ابهامات، نمایندگان آذربایجان در مجلس شورای ملی انتخاب شدند. مسئله اصلی این پژوهش نخستین تجربه عملی مشارکت سیاسی مردم آذربایجان و مقدمات و پیامدهای آن بر اساس نظام‌نامه انتخابات و نحوه انتخاب نمایندگان آذربایجان است. این پژوهش با اتکا به منابع اصیلی چون روزنامه‌ها، خاطرات، نامه‌ها و تلگراف‌های عصر مشروطه به تجزیه و تحلیل این موضوع پرداخته است. درباره نظام‌نامه انتخابات برخی پژوهش‌ها صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مقاله «تحلیلی بر نظام‌نامه انتخابات سال ۱۲۸۵ مجلس شورای ملی» از محمدرضا ویژه و حمید قهوه‌چیان اشاره کرد که در این مقاله نظام‌نامه انتخابات از منظر حقوقی بررسی و نقد شده است. فریدون آدمیت نیز قسمتی از بخش سیزدهم کتاب *ایدئولوژی نهضت مشروطیت* را به بررسی موادی از نظام‌نامه انتخابات اختصاص داده است؛ اما انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی در آذربایجان بر اساس این نظام‌نامه، موضوعی است که این مقاله به بررسی آن پرداخته است.

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری

صدور فرمان مشروطیت و تدوین نظام‌نامه انتخابات

از اواخر ۱۲۸۴ ش / اواخر ۱۳۲۳ ق، اعتراض‌های مردمی که در تهران علیه وضع موجود و سیاست‌های دولت قاجار آغاز شده بود، با گسترش آن در خرداد و تیر ۱۲۸۵ ش / ۱۳۲۴ ق به مهاجرت اعتراضی علما به قم و تحصن مردمی در سفارت انگلیس منجر شد. داستان تحصن مردم در باغ سفارت انگلیس شنیدنی است. از این رو که هوشمندانه و ابتکاری بود و در تعیین سرنوشت و میزان نقش سیاسی این طبقات در آینده تأثیر گذاشت. طراحان این تحصن تجار و رهبران اصناف بودند که به‌دلیل حمایت و همراهی با حرکت‌های اعتراضی، از بیم بازجویی و مصادره اموال و تبعید، ناگزیر پناه بردن به سفارت انگلیس را انتخاب کردند (تفرشی حسینی، ۱۳۸۶: ۲۴ - ۲۹). گزارش‌های موثقی نشان می‌دهد، تجار و اصناف بازار تهران از صنفاها و پیشه‌های فرودست و میانه تا تجار خرده‌پا، متوسط و بزرگ در این تحصن به درجات، نقش مهمی ایفا کردند. هر کدام از اصناف با تعصب به پایگاه صنفی خود در باغ سفارت چادری برپا و تابلویی حاوی اشعاری متناسب با نقش صنف خود در حمایت از خواسته‌های مردمی در جلوی چادرها نصب کرده بودند (ایروانی، ۱۳۸۰: ۷۸ - ۸۸؛ شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۱ / ۷۵ - ۷۶؛ تفرشی حسینی، ۱۳۸۶: ۲۹؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱ / ۹ - ۱۰). شمار این جمعیت را گزارش سفارت انگلیس ۱۴ هزار نفر و گزارش کنسول روسیه، ۱۵ هزار نفر برآورد کرده‌اند (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۹ - ۱۰؛ کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۱ / ۲۸). این حرکت را می‌توان سازمان‌یافته‌ترین حرکت طبقاتی و صنفی در جریان انقلاب مشروطیت ایران به‌شمار آورد. مهم‌ترین خواسته‌های تحصن‌کنندگان، بازگشت علما از قم، برقراری مجلس شورا و عزل عین‌الدوله از صدارت بود (براون، ۱۳۷۴: ۱۱۷ - ۱۲۷؛ کسروی، ۱۳۷۳: ۴۹ - ۱۱۳). با افزایش فشارها و گسترش حرکت‌های اعتراضی، عین‌الدوله از مقام صدارت عزل شد و میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله به صدارت عظمی رسید. در ۱۳ (۱۴) مرداد ۱۲۸۵ ش / ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق، اعتراض‌ها و پافشاری بر محدود ساختن قدرت مطلقه نتیجه داد و مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی را صادر کرد. به‌دنبال صدور این فرمان، موجی از شادی تهران را فرا گرفت. بعد از مجلس جشنی که در مدرسه نظام برگزار

شد، به دستور مشیرالدوله کمیته‌ای مرکب از رجال آگاه و آزادی‌خواهی چون صنیع‌الدوله، محتشم‌السلطنه، مخبرالسلطنه و میرزا حسن‌خان و میرزا حسین‌خان و دو پسر صدراعظم برای تدوین نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی تشکیل شد. این هیئت در عرض ۲۶ روز نظام‌نامه انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی را با ترجمه و اقتباسی از قوانین انتخاباتی کشورهای چون فرانسه و بلژیک تدوین کرد. با وجود کارشکنی‌های مخالفان سرانجام در ۱۷ شهریور ۱۲۸۵ ش / ۱۹ رجب ۱۳۲۴ ق، نظام‌نامه انتخابات به تأیید و امضای شاه رسید و مقرر شد نخستین انتخابات مجلس شورای ملی در تهران و سپس در شهرهای دیگر برگزار شود (هدایت، ۱۳۶۳: ۱۷۴؛ دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲ / ۵۲۲ - ۵۲۶؛ شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۹۰ - ۹۳؛ کسروی، ۱۳۷۳: ۱۲۳). بلافاصله ۵۰ هزار نسخه از نظام‌نامه چاپ و توزیع شد. مشروطه‌خواهان از این بیم داشتند که شاه به اغوای برخی درباریان پشیمان شود و فرمانش را پس بگیرد، به همین دلیل به سرعت در تیراژ بالایی نظام‌نامه را منتشر و توزیع کردند (براون، ۱۳۷۶: ۱۳۴ - ۱۳۵).

بر اساس نظام‌نامه، انتخابات تهران روز پنج‌شنبه ۲۱ شهریور ۱۲۸۵ ش / ۲۳ رجب ۱۳۲۴ ق در مدرسه نظام آغاز شد و روز دوشنبه ۹ مهرماه ۱۲۸۵ ش به پایان رسید و منتخبان طبقات شش‌گانه شناخته شدند. روز ۱۴ مهرماه همان سال با حضور علما، نمایندگان منتخب تهران، سفرای دول خارجی و شاهزادگان و مظفرالدین شاه قاجار مجلس شورای ملی در کاخ گلستان رسماً افتتاح شد (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲، ۶۸۲ - ۶۸۳؛ دولت‌آبادی، همان، ۵۲۶ - ۵۲۷). نخستین جلسه مجلس در مدرسه نظام روز دوشنبه ۱۴ مهر ۱۲۸۵ / ۱۹ شعبان ۱۳۲۴ ق تشکیل شد و به این ترتیب مبارزات جناحی از علما، روشنفکران، بازرگانان و اصناف نتیجه داد و ایران در شمار کشورهای مشروطه و دارای نظام پارلمانی درآمد.

درباره نظام‌نامه انتخابات

نظام‌نامه انتخابات را می‌توان نخستین قانون موضوعه و مدون سیاسی جدید در انقلاب مشروطیت ایران به‌شمار آورد. این نظام‌نامه در دو فصل و ۳۳ ماده، قواعد انتخابات و

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری

شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان و تعداد وکلای ایالات و ولایات در مجلس شورای ملی را تعیین کرد.^۲ در فرمان تاریخی مظفرالدین‌شاه که به فرمان مشروطیت شهرت یافت، صراحتاً به تشکیل مجلس شورای ملی از «منتخبان شاهزادگان و علما و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکان و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه...» اشاره رفته بود (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲: ۵۸۴ - ۵۸۵). بر این اساس، کمیته تدوین نظام‌نامه انتخابات، انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان را در ۶ طبقه شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، ملاکان و فلاحان و اصناف قرار داد. با تدوین و تصویب نظام‌نامه انتخابات، کار برگزیدن و تعیین وکلای مجلس شورای ملی در تهران آغاز شد. برای انجام انتخابات و نظارت بر روند آن کمیته نظارتی تعیین شد به نام انجمن نظار. بر اساس ماده نوزدهم نظام‌نامه مقرر شد با برگزاری انتخابات تهران مجلس تشکیل شود و رسمیت یابد تا منتخبان سایر ایالات و ولایات به تدریج در مجلس حضور یابند.

تدوین نظام‌نامه انتخابات با مانع‌تراشی‌های مخالفان و اختلاف‌نظر موافقان^۳ همراه بود. مخالفان که عمدتاً عناصر دولتی وابسته به دربار بودند، تساوی طبقاتی با دیگر طبقات به‌ویژه اصناف را به دشواری می‌پذیرفتند. از سوی دیگر مشروطه‌خواهان نیز بین خود دچار اختلاف شدند. این اختلاف به گنجاندن سهم و خواسته‌های طبقات نقش‌آفرین در حرکت مشروطه‌خواهی بر می‌گشت و هر طبقه‌ای خواستار سهم بیشتری در نظام‌نامه بود، سرانجام با تغییراتی که داده شد نظام‌نامه مورد موافقت علما، تجار، روشنفکران و اصناف قرار گرفت. بر اساس نظام‌نامه انتخابات، نخستین دوره مجلس شورای ملی به شکل طبقاتی - صنفی برگزار شد. برابر ماده ۶ نظام‌نامه برای تهران ۶۰ وکیل و برای سایر ایالات و ولایات بر اساس جمعیت آن‌ها در مجموع ۹۸ نفر در نظر گرفته شد که در این بین ۱۲ نفر سهم آذربایجان بود. در ماده ۶ سهم طبقات شش‌گانه در انتخابات تهران چنین شده بود: شاهزادگان و قاجاریه ۴ نفر، علما و طلاب ۴ نفر، تجار ۱۰ نفر، ملاکان و فلاحان ۱۰ نفر و اصناف ۳۲ نفر. تحصن اصناف و تجار در باغ سفارت انگلیس و نقش‌آفرینی آنان سبب شد سهم مهمی به آنان برسد. به‌طوری که بیش‌ترین وکلای مجلس اول از بین اصناف و ۳۲ نفر از ۶۰ وکیل تهران هم از

اصناف بودند.

نظام‌نامه انتخابات در زمان خود علاوه بر اینکه با کارشکنی‌های مخالفان و اختلاف نظر میان مشروطه‌خواهان همراه شد، انتقاداتی را هم برانگیخت. این نظام‌نامه را به نوشته ناظم‌الاسلام کرمانی «درنهایت، استعجال نوشتند اگرچه محتاج است به تنقید و تصحیح و زیاده و کم نمودن؛ ولی با این تعجیل و عدم تهیه و نبود اسباب کار باز تا یک درجه خوب است» (همان، ۱۳۸۹: ۶۴۴). ماهیت صنفی - طبقاتی نظام‌نامه به‌گونه‌ای بود که از آن به منزله «نظام‌نامه انتخاباتی صنفی» یاد شده است (ویژه و قهوه‌چیان، ۱۳۹۱: ۲۰۷؛ احمدی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). ماهیت طبقاتی و صنفی انتخابات در همان زمان و نیز در جلسات نخستین مجلس اول انتقاداتی را برانگیخت. روزنامه‌ها و روشنفکران قفقاز که تحولات ایران را دنبال می‌کردند، اولین انتقادهای بر این نظام‌نامه وارد ساختند. روزنامه انتقادی و پیشرو ملانصرالدین به سردبیری جلیل محمدقلی زاده خارج بودن گروه‌هایی از طبقات فرودست کشاورز و کارگر جامعه ایران از طبقات انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده را به باد انتقاد گرفت و آن را محروم کردن این طبقات از حقوق اساسی خود دانست (ملانصرالدین، سال اول، شماره ۲۰، ۱۱ رجب ۱۳۲۴ ش: ۷). محمدامین رسول‌زاده هم در روزنامه ارشاد در رجب ۱۳۲۴ ق در مقاله‌ای از بی‌توجهی به روستاییان در نظام‌نامه انتخابات انتقاد کرد (رسول‌زاده، ۱۳۷۶: ۴۰ - ۴۴). عبدالرحیم طالبوف هم از معایب و محسّنات نظام‌نامه انتخابات سخن گفت (طالبوف، ۱۳۹۶: ۴۳ - ۵۲). بر اساس نظام‌نامه، زنان و ایلات و عشایر نیز از چرخه انتخاب محروم شدند. گزارشی در دست نیست که کسی از حق رأی زنان دفاع کرده باشد؛ اما در نخستین جلسات مجلس درباره حق رأی ایلات و عشایر گفت‌وگوهای صورت گرفت. اصل طبقاتی بودن انتخابات در گیلان مورد ایراد واقع شد و همین امر جریان انتخابات را با اخلال مواجه ساخت (آدمیت، ۱۹۸۵: ۳۴۷). ماده دوم نظام‌نامه، محدودیت‌هایی را برای طبقاتی چون کشاورزان و تجار خرده‌پا و اصناف و پیشه‌وران فرودست ایجاد می‌کرد به این معنی که یک نصاب ملکی با ارزش حداقل هزار تومان برای مالکان و کشاورزان و داشتن حجره و تجارت معین برای تجار و دکان برای اصناف مقرر کرده بود. این نصاب بخش بزرگی از دهقانان، پیشه‌وران و کسبه و نیز کارگران را از حق انتخاب محروم می‌کرد (ایوانف، ۱۳۵۷: ۳۰؛

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری

آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۳۳). این نظام‌نامه از سوی بخش‌هایی از طبقات مسلط جامعه ایران عصر قاجار نیز انتقاد شد، شاهزادگان قاجاری در مخالفت با مشروطیت و نیز نظام سیاسی جدید از شرکت در انتخابات خودداری کردند و تنها هنگامی که با تذکر و دستور مظفرالدین شاه مواجه شدند به شرکت در انتخابات و تعیین وکلای طبقه خود تن دادند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲: ۶۶۴ - ۶۶۶). در کنار این انتقادات، برخی نمایندگان در مذاکرات مجلس اول از طبقاتی بودن انتخابات دفاع کردند. اصل طبقاتی بودن انتخابات در بازنگری نظام‌نامه انتخابات قبل از انتخابات مجلس دوم لغو شد. با وجود تمام انتقادات، روش طبقاتی، صنفی در زمان خود دست‌یافتنی‌ترین و مقبول‌ترین روش انتخابات بود. به عقیده آدمیت «برای مردمی که در آزمایش تاریخ هیچ نوع انتخابی را ندیده بودند، انتخابات طبقاتی در این مرحله ساده‌ترین، عملی‌ترین و عاقلانه‌ترین روش بود، اگرچه کمال مطلوب نبود» (آدمیت، ۱۹۸۵: ۳۴۸).

نگاهی به جایگاه طبقات شش‌گانه انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده در ساختار اجتماعی ایران عصر قاجار در تحلیل نظام‌نامه انتخابات با در نظر گرفتن واقعیت‌ها و ظرفیت‌های زمانه کمک خواهد کرد. شاهزادگان قاجاری، رؤسای ایالات و عشایر و فرماندهان نظامی، زمین‌داران بزرگ، علما و اشراف و اعیان حکومتی در زمره طبقات یا قشرهای مسلط و صاحب امتیاز به‌شمار می‌رفتند. فهرستی که اعتمادالسلطنه از حکام ایالات و ولایات در دوره ناصری به‌دست می‌دهد، بیانگر این است که بیشتر حکومت ایالات و ولایات بر عهده شاهزادگان و خوانین قاجاری و در مرتبه بعد در اختیار رؤسای ایالات و اشراف حکومتی بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵۳/۱ - ۶۰). شاهزادگان و خوانین قاجاری جمعیت زیادی را شامل می‌شدند که دارای امتیازات خاص دیوانی و اقتصادی بودند. طبقات دیگر جامعه ایران را تجار، زمین‌داران کوچک، اعیان محلی، صنعت‌گران و پیشه‌وران شکل می‌دادند که اشرف و بنوعیزی از آن‌ها به‌منزله طبقه متوسط یاد می‌کنند (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۵۱). این طبقه متوسط صرف‌نظر از زمین‌داران کوچک و محلی، به اعتبار نقشی که در حرکت‌های اعتراضی دوران مشروطه‌خواهی برعهده گرفتند، جایگاه مهمی در نظام‌نامه انتخابات و به تبع آن مجلس شورای ملی یافتند (همان، ۶۰). ترکیب مجلس اول نشانه قدرت‌یابی طبقه متوسط و

حتی پیشه‌ورانی از طبقه متوسط به پایین و فرودست از بقال، آهنگر، فخار و صحاف در سیاست در برابر قدرت سنتی و مسلط شاهزادگان و خوانین پرشمار قاجار و اعیان و اشراف حکومتی است. طبقه متوسط که تجار و اصناف آن‌ها را نمایندگی می‌کردند، توانستند در اولین مجلس شورای ملی نزدیک به نیمی از کل نمایندگان مجلس را به‌خود اختصاص دهند (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۴۸ - ۶۴۹؛ شجیعی، ۱۳۷۲: ۲۶۲ / ۴ - ۲۶۵). پس در نظام جدید سیاسی طبقات متوسط و فرودست اهمیت و قدرت سیاسی و اجتماعی یافتند. اصناف و تجار در جریان انتخابات هم سازمان یافته و صنفی عمل کردند. بر اساس ماده ۹ نظام‌نامه هر انتخاب‌کننده می‌توانست به فردی خارج از طبقه خود رأی دهد؛ اما اصناف و بازاریان کاملاً صنفی عمل کرده و به هم صنفان خود رأی دادند (رحیمی، ۱۳۸۹: ۷۰ - ۷۱). تجار و اصنافی که به مجلس راه یافتند رهبران جمعیت پرشمار از طبقاتی بودند که برای اولین بار نقش سیاسی بر عهده گرفتند و با سازماندهی و حمایت‌های مالی حرکت‌های اعتراضی را اداره کردند. نقشی که دیگر هیچ‌گاه در مجالس بعدی به این طبقات داده نشد.

انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی در آذربایجان

تبریز قبل از صدور فرمان مشروطیت، برخی حرکت‌های اعتراضی ثمربخش را تجربه کرده بود: شورش علیه قرارداد رژی، اعتراض به پیمان گمرکی ایران با روسیه، اعتراض شدید به کمبود نان و یورش مردمی به خانه نظام‌العلماء (سپهر، ۱۳۸۶: ۲۸۵ / ۱ - ۲۸۶؛ کسروی، ۱۳۷۳: ۱۴۱ - ۱۴۲؛ صفایی، ۱۳۷۰: ۷۰ - ۷۱). این تجربه‌ها در کوران مشروطه‌خواهی به‌کار آمد. با وجود ممانعت دولت از انتشار اخبار تهران، به هر شکل خبر مهاجرت علما به قم و بست‌نشینی مردم در سفارت انگلیس به تبریز رسید و نخستین شهری که به این پیش‌آمدها و خواسته‌های اعتراضی پیوست تبریز بود. در روز ۶ مرداد ۱۲۸۵ ش / ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق. علمای تبریز طی تلگرافی به شاه خواستار بازگشت علما و پذیرش خواسته‌های آنان شدند، درمقابل مظفرالدین شاه نیز با مخابره دو تلگراف به تبریز، خبر از اهتمام دولت به بازگرداندن علما و وعده قبول «عرایض

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری
حقه آن‌ها» را داد (همان، ۱۱۲ - ۱۱۸؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲: ۵۶۶ - ۵۷۱؛ تهرانی،
۱۳۸۸: ۱۹۳ - ۱۹۴).

خبر صدور فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی موجی از خوشحالی و سرور را در تبریز ایجاد کرد، با این حال، رسیدن اخباری از تأخیر در تدوین و تصویب نظام‌نامه انتخاباتی و کارشکنی دولتی‌ها در شهریور ۱۲۸۵ سبب نگرانی تبریزیان شد و تبریز را به تکرار تجربه تهران واداشت. به این معنا که جماعتی از تجار و اصناف در کنسولگری انگلستان تجمع کردند (راتیسلاو، ۱۳۸۶: ۲۵۰ - ۲۵۳). محمدعلی میرزای ولیعهد درصدد برآمد این تجمع اعتراضی را در همان آغاز با صدور دستور کاهش بهای نان به تعطیلی و انحراف بکشاند؛ اما معترضان با پاسخ «درخواست ما ارزانی نان نیست، ما مشروطه می‌خواهیم» ترفند ولیعهد را بی‌اثر کردند (کسروی، همان: ۱۵۸؛ ثقه‌الاسلام، ۱۳۸۹: ۷۷). بازار تبریز بسته شد و مردم چند دسته شدند و در کنسولگری انگلستان، مسجد صمصام‌خان و مسجد حاج صفرعلی تجمع کردند. مشابه آنچه چند ماه قبل در تهران اتفاق افتاده بود، در تبریز در حال تکوین بود. بازاریان تبریز به پیشگامی حاج مهدی کوزه‌کنانی پذیرفتند که هزینه‌ها و مخارج این تجمع‌های اعتراضی را بپردازند. برای جلب مشارکت همگانی و جمع‌آوری کمک‌های بازاریان مقرر شد انجمنی و صندوقی به نام «صندوق مصارف انجمن عدالت و مشروطه‌خواهان اسلام» شکل گیرد (کسروی، ۱۳۹۳: ۱۵۳ - ۱۵۷؛ ثقه‌الاسلام، ۱۳۸۹: ۷۵). در اجتماع اعتراضی تبریز، جناحی از علما، بازرگانان، وعاظ و اصناف نقش کاملاً راهبردی بر عهده گرفتند، از سوی دیگر یک اتحاد شگفتی در میان مردم به‌وجود آمد، اختلاف شیخیه، متشرع، کریم‌خانی و ارمنی و مسلمان از میان رفت و درگیری‌های فرقه‌ای و مذهبی و قومی جای خود را به یکدلی در مشروطه‌خواهی و مقابله با استبداد داد (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲: ۶۵۷ - ۶۵۸؛ کسروی، ۱۳۷۳: ۱۵۸؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۱: ۳/ ۴۰۴) جماعت متحصن خواستار ارسال نظام‌نامه و برگزاری انتخابات مجلس در تبریز بودند. درنهایت، در ۴ مهر ۱۲۸۵ / ۸ شعبان ۱۳۲۴ مظفرالدین شاه در تلگرافی خطاب به ولیعهد با اشاره به تدوین و تصویب نظام‌نامه انتخابات و برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی در تهران، اجازه تعیین وکلای تبریز و سایر ولایات آذربایجان را

صادر نمود. محمدعلی میرزا نیز طی فرمانی در چهاربند، مجلس شورای ملی را «اساس آبادانی و ثروت و ترفی دولت و ملت» دانست و به متحصنین اعلام نمود که می‌توانند وکلای تبریز و سایر ولایات را تعیین و روانه مجلس شورای ملی بکنند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲: ۶۶۳ - ۶۶۴؛ کسروی، ۱۳۷۳: ۱۶۲ - ۱۶۴) تلگراف شاه و دست خط ولیعهد که از سوی راتیسلاو کنسول انگلیس در تبریز به رهبران و سران جنبش ابلاغ شد، موجی از خوشحالی و سرور را ایجاد کرد. مردم جشن گرفته و بازار را چراغانی کردند. رفتار سیاسی و اجتماعی مردم تبریز سبب شد نویسنده نخستین اثر جامع تاریخ مشروطیت ایران با شگفتی از «تربیت و تمدن اهالی تبریز» در جریان تجمع‌های اعتراضی و تحصن یاد کند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲: ۶۶۳).

قبل از رسیدن نظام‌نامه انتخابات، سران مشروطه تبریز، «انجمن» تبریز را که مدتی بعد انجمن ایالتی نامیده شد، پایه‌گذاری کردند. هم‌زمان با افتتاح مجلس شورای ملی در تهران در روز یکشنبه ۱۴ مهر ۱۲۸۵ / ۱۸ شعبان ۱۳۲۴، انجمن تبریز شروع به کار نمود (ثقه‌الاسلام، ۱۳۸۹: ۸۵؛ فضلعلی آقاتبریزی، ۱۳۸۷: ۲۳). کوشندگان جریان مشروطه‌خواهی تبریز منتظر رسیدن نظام‌نامه انتخابات نماندند و با تأسیس این نهاد ملی با عضویت برخی علما، بازرگانان و نمایندگان اصناف از چیت‌فروشان، زین‌دوزان، میوه‌فروشان، توتون‌چیان و قندفروشان وظیفه مهم ملی و مدنی را بر عهده گرفتند و حرکت مستقلی را در مسیر مشروطه‌خواهی و دموکراسی آغاز کردند (آفاری، ۱۳۷۹: ۱۱۱) به گزارش «روزنامه ملی» ارگان انجمن، اعضای انجمن بعد از مذاکرات دو مجمع تشکیل دادند: مجمع اول برای رسیدگی به امور مختلف محلی و کشوری و مجمع دوم که همان انجمن نظارت بر انتخابات بود، مرکب از ۶ نفر از طبقات شش‌گانه که وظیفه تدارک مقدمات انتخابات مجلس شورای ملی را بر عهده داشت (روزنامه ملی، سال اول، شماره اول، غره رمضان ۱۳۲۴). به روایت دو شاهد عینی انجمن تبریز از همان آغاز چنان قدرتی یافت که در همه امور محلی و مملکتی و امور جزئی دخالت و رسیدگی می‌کرد و حد و اندازه‌ای برای خود قائل نبود (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۱: ۴۰۴؛ ثقه‌الاسلام، ۱۳۸۹: ۸۶).

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری

انجمن نظارت بر انتخابات یا انجمن نُظَّار مطابق ماده ۹ نظام‌نامه انتخابات در تبریز شکل گرفت (مذاکرات مجلس، ۱۳۲۵: ۷) ۶ نفری که به منزله انجمن نُظَّار برای نظارت بر انتخابات انتخاب شدند، عبارت بودند از: شیخ سلیم از طرف علما، هدایت‌الله میرزا از طرف شاهزادگان، عدل‌الملک از طرف اعیان، حاجی محمدجعفر آقا از طرف تجار، احسن‌الدوله از طرف ملاکان و فلاحان و حاجی میرزا ابراهیم آقا از طرف کسبه و اصناف (روزنامه ملی، سال اول، شماره اول، غره رمضان ۱۳۲۴ ق؛ فضلعلی آقاتبریزی، ۱۳۸۷: ۴۳) از سوی محمدعلی میرزا ولیعهد نیز اجلال‌الملک به منزله نماینده حکومت در انجمن عضویت یافت. ولیعهد که فعالیت انجمن ایالتی را بر نمی‌تافت با شکل‌گیری انجمن نُظَّار، وظیفه انجمن ایالتی را تمام‌شده دانست که می‌باید فعالیت‌های آن متوقف شود (ثقه‌الاسلام، ۱۳۸۹: ۹۱؛ روزنامه ملی (انجمن)، سال اول، نمره ۵، ۱۸ رمضان ۱۳۲۴)؛ اما خواست مردمی، ولیعهد را مجبور کرد ادامه کار انجمن را بپذیرد (تقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۲؛ تهرانی، ۱۳۸۸: ۲۶۱ - ۲۶۲).

به این ترتیب با رسیدن نظام‌نامه انتخابات، انجمن ایالتی و انجمن نُظَّار روند برگزاری انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی را آغاز کردند. انجمن ایالتی به ولایات آذربایجان تلگرافی فرستاد تا اهالی شهرهای تابعه آذربایجان نمایندگان خود را برای تعیین و انتخاب وکلای مجلس به تبریز روانه دارند (روزنامه ملی، سال اول، نمره ۲، ۶ رمضان ۱۳۲۴). در تبریز هم در اولین گام اعلانی منتشر و از طبقات ۶ گانه دعوت کردند که به ترتیب در انجمن حضور یافتند و وکیل خود را انتخاب نمایند. از روز هفتم رمضان به ترتیب هر روز طبقه‌ای از طبقات ۶ گانه در محل انجمن حضور می‌یافتند و رأی خود را به صندوق می‌انداختند. اولین طبقه علما و طلاب بودند که در انجمن حضور یافتند و ورقه رأی خود را نوشتند و به صندوق انداختند. نام انتخاب کنندگان و ترتیب و شماره ورقه رأی آنان در دفتر جداگانه‌ای ثبت می‌شد و این دفتر به امضای اجلال‌الملک و بنیان‌الممالک نمایندگان حکومت می‌رسید (همان‌جا). در روزهای دیگر، طبقات اصناف، تجار، امرا و اعیان و شاهزادگان در محل انجمن حضور یافتند و رأی خود را به صندوق انداختند. تنها طبقه‌ای که هنوز در انتخابات شرکت نکرده بود، طبقه ملاکان و فلاحان بودند. انجمن و اعضای انجمن نظار چنین نهادند که

اعلانی دهند و تا ۲۵ رمضان به این طبقه فرصت دهند تا با حضور در محل انجمن به انتخاب نماینده خود اقدام کنند (همان‌جا). انتخابات در موعد مقرر به پایان نرسید و همین سبب اعتراض مردم و تجمع در مقابل ساختمان انجمن شد. در نهایت، مقرر شد سه‌شنبه ۲۵ رمضان با حضور ناظرین ورقه انتخابات خوانده و نتایج انتخابات اعلام شود (همان‌جا). از سوی دیگر اهالی ولایات آذربایجان چون مراغه و بناب، اهر و قراجه‌داغ و کلای خود را انتخاب و با تصدیق‌نامه و اعتبارنامه آن‌ها را روانه تبریز کردند. میرزا اسماعیل تاجر تبریزی از سوی اهالی مراغه و بناب و حاجی میرزا عبدالحسین از سوی اهالی اهر و قراجه‌داغ به وکالت تعیین و در تبریز حضور پیدا کردند. همین طور اهالی مرند حاجی خلیل آقا مرندی و مردم اردبیل حاجی قاسم آقا اردبیلی را به وکالت معین و روانه تبریز کردند (جریده ملی، سال اول، نمره ۱۰، ۷ شوال ۱۳۲۴).

سرانجام، روز سه‌شنبه ۲۵ رمضان اعضای انجمن ایالتی و انجمن نظار در حضور جمعی از علما و تجار، شمارش آرا را آغاز و در سوم ماه شوال پایان دادند. به این ترتیب نتایج انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی در آذربایجان به شرح ذیل اعلام شد:

- آرای طبقه علما به ترتیب: ثقه‌الاسلام ۸۳ رأی، میرزا فضلی ۶۶ رأی، مجتهد (میرزا حسن) ۶۲ رأی، میرزا صادق مجتهد ۳۸ رأی، میرزا علی اکبر آقا ۳۲ رأی و میرزا ابوالحسن صدرالاشراف ۳۴ رأی.

- از شاهزادگان قاجار که کل آرای آن‌ها ۱۸ رأی بود، شاهزاده امامقلی میرزا انتخاب شد.

- آرای طبقه اعیان و امراء: مستشارالدوله ۴۴ رأی، شرف‌الدوله ۳۷ رأی، حاجی نظام‌الدوله ۲۰ رأی و مستشارالسلطان ۹ رأی (روزنامه ملی، سال اول، نمره ۸، ۲۶ رمضان ۱۳۲۴).

- آرای طبقه تجار: حاج محمدباقر تاجر باشی ۵۶ رأی، حاجی محمدآقا حریری ۵۵ رأی، طالبوف ۵۴ رأی، تقی‌زاده ۵۱ رأی و حاجی میرزا آقا ۳۶ رأی (همان‌جا).

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری

- آرای طبقه اصناف: حاجی میرزا ابراهیم آقا ۴۱۶ رأی، حاجی میرزا آقا ۳۲۳ رأی، شیخ سلیم ۳۱۴ رأی، میرزا علی اکبر ۳۰۸ رأی، حاجی مهدی آقا ۲۱۴ رأی، تقی‌زاده ۱۸۵ رأی (جریده ملی، سال اول، نمره ۱۰، ۷ شوال ۱۳۲۴).

- احسن‌الدوله نیز به‌منزله وکیل طبقه ملاکان و فلاحان انتخاب شد.

نام دو نفر هم در فهرست منتخبان تجار و هم اصناف قرار داشت: حاجی میرزا آقا و سید حسن تقی‌زاده. با پایان شمارش آرای منتخبان طبقات شش‌گانه چنین معرفی شدند: ثقه‌الاسلام و مجتهد از طبقه علما، مستشارالدوله و شرف‌الدوله از طبقه اعیان و امرا، عبدالرحیم طالبوف، محمدآقا حریری و حاجی میرزا آقا فرش‌فروش (فرشی) از طبقه تجار، شیخ سلیم، میرزا ابراهیم آقا و تقی‌زاده از طبقه اصناف. شاهزاده امامقلی میرزا از طبقه شاهزادگان و احسن‌الدوله از طبقه ملاکان و فلاحان. درنهایت، این نتایج علاوه بر اینکه با تغییراتی همراه شد، در اولین گام در یک مورد با آرای بیرون آمده از صندوق مغایرت داشت. میرزا حسن مجتهد در طبقه علما دارای ۶۲ رأی سوم شده بود؛ اما انجمن نظار در گزارش نتایج نام او را نفر اول و نام ثقه‌الاسلام و میرزا فضلعلی که بالاترین رأی را آورده بودند در ردیف دوم و سوم قرار داد، در حالی که قاعده ترتیب اسامی با تعداد رأی در طبقات دیگر رعایت شده بود. انجمن نظار حتی فراتر از این نیز رفت و نام مجتهد را در فهرست نهایی منتخبان طبقه علما قرار داد. این اقدام خلاف قواعد و مصداق دست بردن در آرا بود. میرزا حسن مجتهد عالم قدرتمند متشرعه در روز رأی‌گیری جمعی از علما و طلاب را در خانه خود مهمان کرده و با خود به محل اخذ رأی آورده و از آن‌ها خواسته بود تنها نام او را در ورقه رأی بنویسند تا بر رقبای خود پیشی بگیرد (فضلعلی آقا، همان: ۴۶). با وجود تلاش‌های مجتهد او رأی لازم را نیاورد. با توجه به دسته‌بندی علمای تبریز به متشرعه یا اصولی‌ها (فقها) و شیخیه (نادرمیرزا، ۱۳۷۳: ۱۵۹). به‌نظر می‌رسد اعضای انجمن ایالتی و انجمن نظار با توجه به زمینه مخالفتی که در میرزا حسن با مشروطیت وجود داشت، برای مهار این مخالفت و همچنین، ایجاد توازنی در قدرت مذهبی و سیاسی جدید بین شیخیه و متشرعه تصمیم گرفتند به چنین تغییر مصلحت‌جویانه‌ای دست بزنند. البته، درنهایت، میرزا حسن

مجتهد، با وجود قرار گرفتن نامش در میان وکلای منتخب، وکالت مجلس را نپذیرفت و به تدریج در سلک برجسته‌ترین مخالفان مشروطیت در آذربایجان و ایران در آمد.^۵ چنانکه گفتیم نتایج نهایی با تغییرات عدیده‌ای همراه شد. ثقه‌الاسلام روحانی محبوب تبریز و رهبر شیخیه با اینکه قبل از رأی‌گیری اعلام کرده بود تمایلی به وکالت مجلس ندارد، در طبقه علما دارای آرای بیشتر شد؛ اما وکالت را نپذیرفت (جریده ملی، سال اول، نمره ۱۹، سلخ شوال ۱۳۲۴). میرزا فضلعلی آقا از دیگر علمای شیخی تبریز و نفر دوم طبقه علما به همراه میرزا عبدالرحیم آقا از دیگر علمای تبریز که نام او در میان انتخاب شدگان نبود به‌منزله وکلای طبقه علما معرفی شدند (همان‌جا)؛ اما میرزا عبدالرحیم هم وکالت را نپذیرفت و درنهایت، میرزا فضلعلی آقا و میرزا یحیی امام جمعه خوی^۶ به‌منزله وکیل طبقه علمای آذربایجان معرفی شدند و به مجلس راه یافتند. میرزا یحیی هم اساساً در میان نامزدهای وکالت طبقه علما نبود و گویا به تشخیص انجمن تبریز و به حکم قرعه به وکالت مجلس انتخاب شد. مهدی مجتهدی، اما انتخاب میرزا یحیی را به سفارش و نفوذ میرزا حسن مجتهد نسبت می‌دهد (همان‌جا؛ مجتهدی، ۱۳۲۷: ۲۴) درنهایت، با انتخاب میرزا یحیی دو کرسی طبقه علمای آذربایجان بین شیخیه و متشرعه تقسیم شد.

در منتخبان طبقه تجار نیز تغییراتی رخ داد. محمدباقر تاجرباشی (رضایوف) بازرگان تبریزی که در این زمان در تبریز حضور نداشت و دارای بیش‌ترین رأی در طبقه تجار شده بود، وکالت را نپذیرفت و عبدالرحیم طالبوف، محمدآقا حریری دو منتخب این طبقه به وکالت انتخاب شدند؛ اما بیش‌ترین آرا در طبقه اصناف بود. نفرات اول تا سوم به ترتیب میرزا ابراهیم آقا شهیدی^۷، میرزا آقا فرشی و شیخ سلیم بودند. شیخ سلیم وکالت را نپذیرفت. نام تقی‌زاده در میان نامزدهای وکالت در دو طبقه تجار و اصناف قرار داشت. تقی‌زاده در طبقه تجار نفر چهارم و در طبقه اصناف نفر ششم بود. تقی‌زاده خود را وکیل طبقه تجار به‌شمار آورده است (تقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۱)، در حالی که در فهرست وکلای آذربایجان که در جریده ملی آمده نام او به‌منزله وکیل طبقه اصناف ذکر شده است (جریده ملی، سال اول، نمره ۲۲، ۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۴). آدمیت (بی‌تا: ۳۹۶) از تقی‌زاده برای اینکه خود را نماینده طبقه تجار دانسته، به‌شدت انتقاد کرده است. وکیل

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری

منتخب شاهزادگان قاجار نیز امام‌قلی میرزا بود که او نیز وکالت را نپذیرفت و به‌جای او هدایت‌الله میرزا انتخاب شد. از طبقه ملاکان و فلاحان، احسن‌الدوله به وکالت انتخاب شد. در نهایت، این دوازده نفر به‌منزله وکلای آذربایجان در نخستین مجلس شورای ملی معرفی شدند: میرزا فضلعلی‌آقا تبریزی، میرزا یحیی امام جمعه خوی، صادق مستشارالدوله، میرزا ابراهیم کلانتر شرف‌الدوله، میرزا عبدالرحیم طالبوف، سید حسن تقی‌زاده، میرزا حسن خان احسن‌الدوله، شاهزاده هدایت‌الله میرزا، میر هاشم دوچی، حاج میرزا ابراهیم‌آقا، محمدآقا حریری، میرزا آقا فرشی (کسروی، ۱۳۷۳: ۱۹۰؛ تقی‌زاده، ۱۳۳۶ق: ۴ - ۶؛ مستشارالدوله، ۱۳۶۱: ۱/ ۲۵) هفت نفر از این وکلا در روز ۱۷ دی ماه ۱۲۸۵ با بدرقه باشکوهی عازم تهران شدند. یک روز بعد مظفرالدین شاه در روز ۱۸ دی ماه ۱۲۸۵ / ۲۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ درگذشت و محمدعلی میرزا بر تخت سلطنت جلوس کرد.

فهرست نهایی وکلای آذربایجان اشکالات و ابهاماتی دارد. در این فهرست نام میرهاشم دوچی هم دیده می‌شود. درباره او و میرزاآقا اصفهانی - کسی که یک‌سال بعد به وکالت آذربایجان در مجلس رسید - که هر دو از چهره‌های تندرو و در جبهه مخالف قرار داشتند - توضیحی لازم است تا ابهامات تاریخی برطرف شود. میرهاشم در آغاز با مشروطه‌خواهان همراه بود؛ اما به تدریج راه خود را جدا کرد و در زمره نیروهای شاخص ضد مشروطه در آمد. رفتارهای آشوب‌گرایانه او سبب شد تا با رأی اعضای انجمن ایالتی از تبریز اخراج شود و راهی تهران شود. درباره اینکه او چگونه بدون شرکت در انتخابات و کسب رأی توانسته است ردای وکالت بر تن کند، نظرات مختلفی مطرح شده است. مستشارالدوله عقیده دارد انجمن ایالتی برای خلاصی از حرکات مستبدانه میرهاشم به صلاحدید برخی علما بعد از اتمام انتخابات او را در فهرست نهایی وکلای آذربایجان جای داد (مستشارالدوله، ۱۳۶۱: ۲۶). امیرخیزی می‌نویسد انجمن به دلیل خدمات میرهاشم (۱۳۸۷: ۵۳) در آغاز مشروطه او را به وکالت انتخاب کرد. کسروی هم این انتخاب را در جهت دل‌جویی انجمن از میرهاشم دانسته است (همان: ۱۹۰). انتخاب میرهاشم به هر دلیل که باشد، اقدامی فراقانونی بود که انجمن ایالتی به آن دست زد. این اقدام مورد اعتراض دیگر وکلای آذربایجان قرار

گرفت تا جایی که آن‌ها را تهدید به استعفا کردند و میرهاشم نیز بلافاصله تهران را ترک کرد و به تبریز بازگشت (مستشارالدوله، ۱۳۶۱: ۲۶؛ تهرانی، ۱۳۸۸: ۲۶۱). گویا محمدعلی‌شاه هم مأموریتی به او در تبریز داده بود؛ چیزی که بعداً مشخص شد عاری از واقعیت نبوده است. با کناره‌گیری اجباری میرهاشم و انصراف طالبوف از وکالت، شمار وکلای آذربایجان به ده نفر کاهش یافت؛ اما میرزاآقا اصفهانی از تجار اصفهان بود. قبل از مشروطیت مدتی را در استانبول و اروپا سپری کرد و چند ماه قبل از آغاز حرکت‌های اعتراضی مردم، در ۱۳ رجب ۱۳۲۳ وارد تهران شد. قبل از صدور فرمان مشروطه او را همراه با مجدالاسلام کرمانی و میرزا حسن رشیدی دستگیر و به کلات تبعید کردند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲: ۶۴۲، ۶۵۶ - ۶۵۸). با صدور فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی میرزاآقا به تهران بازگشت. چند ماه بعد در ربیع‌الاول سال ۱۳۲۵ به تبریز رفت و از او استقبال شد و در منزل حاجی امین‌التجار اقامت کرد و به‌زودی به عضویت انجمن ایالتی درآمد (ثقه‌الاسلام، ۱۳۸۹: ۱۰۹؛ فضلعلی‌آقا، همان: ۱۰۰). میرزاآقا در تبریز به یکی از عناصر تندرو مشروطه‌خواه و رهبران مجاهدان قفقازی تبدیل شد. نظام‌الاسلام در نامه‌ای به پدرش میرزا فضلعلی‌آقا و ثقه‌الاسلام در نامه‌ای به مستشارالدوله از تندروی‌های میرزاآقا و تصمیم انجمن ایالتی به اخراج او از شهر سخن گفته‌اند (فضلعلی‌آقا، ۱۳۸۹: ۸۷ - ۸۹؛ افشار، ۱۳۷۸: ۱۳۲). در نهایت، میرزاآقا در اواخر شعبان ۱۳۲۵ به‌عنوان وکیل مردم آذربایجان تعیین و مدتی بعد راهی تهران شد (همان، ۲۱۳؛ روزنامه انجمن، سال اول، نمره ۱۴۵، ۲۶ شعبان ۱۳۲۵).

طرح چند نکته در اینجا ضرورت دارد. با انصراف طالبوف و کنار کشیدن اجباری میرهاشم دوچی، دو سهمیه از کرسی‌های وکالت آذربایجان خالی ماند. بر اساس ماده ۱۲ نظام‌نامه انتخابات در صورت استعفا یا فوت یکی از وکلای مجلس، مجلس می‌توانست به‌جای او یک نفر از اهالی همان ولایت را به وکالت انتخاب کند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۲: ۶۴۱). به‌نظر می‌رسد مجلس این وظیفه را به انجمن ایالتی آذربایجان محول کرد تا وکلایی برای دو کرسی خالی آذربایجان انتخاب کند. احتمال می‌رود میرزاآقا اصفهانی به همین قصد به تبریز رفته باشد تا از سوی انجمن

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری

ایالتی که با مجلس و انجمن‌های سیاسی و شخصیت‌های متنفذ پایتخت ارتباطات وسیعی داشت، به وکالت مجلس از سوی مردم آذربایجان تعیین شود. در مدت اقامت چندماهه در تبریز، میرزاآقا به‌منزله یکی از عناصر اختلاف و آشوب شناخته شد و اعضای انجمن و رهبران معتدل مشروطه تبریز می‌خواستند او را به بهانه وکالت از تبریز دور سازند (افشار، ۱۳۷۸: ۲۴۸). نکته مهم دیگر این است که از میرزاآقا هم به‌منزله وکیل تبریز و آذربایجان (تقی‌زاده، ۱۳۳۶ ق: ۶؛ دولت‌آبادی، ۱۳۸۸: ۳۵۸، ۳۹۸، ۴۰۴؛ شجیعی، ۱۳۷۲: ۴۸۳) و هم به‌منزله وکیل مرند یاد شده است (شرف‌الدوله، ۱۳۷۷: ۲۱۲). هر چه هست، میرزاآقا چند ماهی به‌منزله وکیل آذربایجان در مجلس حضور یافت؛ اما وکالت او نافرجام ماند. چند ماهی قبل از بمباران مجلس و حمله محمدعلی شاه و قزاق‌های روس به مجلس شورای ملی، انجمن ایالتی آذربایجان در تلگراف ۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ به مجلس شورای ملی، خواستار عزل میرزاآقا اصفهانی از وکالت مردم آذربایجان به دلیل «مفاسد افکار و خیانت‌های مشارالیه نسبت به عمل وکالت و عالم مشروطیت و ملت و دولت» شد و از مجلس خواست وکالت او را ملغی بدانند (انجمن، سال دوم، شماره ۱۳، ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۶). شرف‌الدوله (۱۳۷۷: ۲۱۲) نیز در خاطرات خود اشاره می‌کند که مردم مرند خواستار عزل میرزاآقا از وکالت مجلس شده‌اند.

جریان انتخابات دوره اول مجلس شورای ملی در تبریز را برخی با تبانی و فقدان صحت همراه می‌دانند. درمقابل، برخی عقیده دارند انتخابات آذربایجان به‌طرز صحیح و در کمال امنیت و آرامش برگزار شد (کسروی، ۱۳۷۳: ۲۲۸؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۱: ۴۰۶). بعد از تهران دومین ایالتی که به انتخابات دست زد، آذربایجان بود. انجمن ایالتی آذربایجان با وجود برخی اعمال سلیقه‌ها و تصمیم‌گیری‌های خلاف نظام‌نامه که آن را باید به حساب تجربه نخستین و شتاب در به سرانجام رسیدن عمل انتخابات گذاشت، نقش حیاتی در برگزاری این انتخابات ایفا نمود، درحالی که تا مدت‌ها بیشتر ایالات و ولایات به دلیل مخالفت و ممانعت حکام و عوامل دولتی نتوانستند به برگزاری انتخابات دست بزنند و یا حتی اطلاعی از پیش‌آمدهای تهران نداشتند و نمی‌دانستند چه باید بکنند. تبریز با موفقیت انتخابات را برگزار کرد. تلگراف‌های متعددی که از ایالات و

ولایات مختلفی چون عربستان و لرستان، خراسان، استرآباد، یزد، ملایر، کرمان، کردستان و... به مجلس می‌رسید مؤید این واقعیت هست (مذاکرات مجلس، ۴ ذی‌الحجه: ۱۲، ۲۴، ۲۹ شوال ۱۳۲۵؛ ۲ ذی‌القعدة ۱۳۲۵).

اینکه تبریز بعد از تهران اولین شهری بود که نخستین انتخابات مجلس را برگزار کرد، دلیل آن را باید در فضای فکری و سیاسی تبریز و ساخت اجتماعی شهر جست‌وجو کرد. تبریز بعد از تهران پرجمعیت‌ترین شهر ایران بود و یکی از مهم‌ترین مراکز و شریان‌های اصلی تجارت داخلی و خارجی ایران به‌شمار می‌رفت (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۶۴ - ۱۷۶). بازار بزرگ تبریز متشکل از سراها، راسته‌ها، تیمچه‌ها و کاروانسراها نقش اصلی را در این اقتصاد بر عهده داشت. به نوشته سلطان‌زاده ۱۷ هزار مغازه، انبار و کارگاه در تبریز وجود داشت (سلطان‌زاده، بی تا: ۱۰۸). از این میان صد کارگاه قالی‌بافی با حدود ۱۰ هزار قالیباف در آستانه انقلاب مشروطیت در تبریز فعال بودند (پاولویچ، ۱۳۵۷: ۵۴). بار این فعالیت اقتصادی را تجار و اصناف و پیشه‌وران بر دوش می‌کشیدند. محلات و کوی‌های ۱۹گانه تبریز طبقات مختلف اعیان و بزرگان، علما، بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران، کارگران، کشاورزان و باغداران را در خود جای داده بودند. کوی مهادمهین علاوه بر اینکه محل زندگی مسیحیان و ارامنه تبریز بود، تجارتخانه‌ها و کنسولگری‌های دول اروپایی و دولت عثمانی را هم در بر می‌گرفت (نادرمیرزا، ۱۳۷۳: ۸۲ - ۹۶). بازرگانان تبریز که برخی از آنان در زمره روشنفکران به‌شمار می‌رفتند، از طریق مناسبات تجاری با اندیشه‌های جدید آشنا بودند. از سوی دیگر جمعیت زیادی از گروه‌های فرودست آذربایجان در قفقاز کارگری می‌کردند و با اندیشه‌های سوسیالیستی و انقلابی آشنایی به‌هم رسانده بودند (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۱۵ - ۱۳۰). احتمالاً آنان اولین کارگران ایرانی بودند که سیاسی شدند و با بازگشت به آذربایجان و تبریز نقش سیاسی بر عهده گرفتند. معلمان مدارس، دانش‌آموزان و روزنامه‌نگاران را نیز باید به این گروه‌ها افزود که در پراکندن اندیشه‌های جدید و بیداری فکری مردم مؤثر افتادند. این فضای فکری و ساختار اجتماعی سبب شد اعتراض‌های مردمی علاوه بر اینکه طبقات مختلف را شامل می‌شد، به‌گونه‌ای شکل سازمانی و تشکیلاتی نیز به‌خود بگیرد. در نخستین انتخابات مجلس در تبریز سه طیف

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری

نقش مؤثری ایفا کردند: علمای شیخی تبریز، بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران و البته، قدرت نیمه‌آشکار مجاهدان. نقش متفاوتی که تبریز در کوران دوسال اول مشروطه و به‌ویژه در دوره استبداد صغیر در مقاومت شگفت‌انگیز برای اعاده مشروطیت ایران بر عهده گرفت، بر بستر این ساختار اجتماعی و فضای سیاسی و فکری شکل گرفت. در چنین شرایطی طبیعی بود که تبریز متفاوت‌ترین رفتار را در میان ایالات و ولایات ایران در انتخابات و مشروطه ایران ایفا نماید. وکلایی هم که از آذربایجان و تبریز به مجلس راه یافتند، به تبع فضای سیاسی تبریز به اعتراف احتشام‌السلطنه، دومین رئیس اولین دوره مجلس شورای ملی در مقایسه با سایر وکلای مجلس، آگاهی و درک سیاسی بالایی داشتند (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۴۹ - ۶۵۱).

نتیجه

صدور فرمان مشروطیت ثمره حرکت‌های اعتراضی طبقاتی از جامعه ایران عصر قاجار بود که قبل از آن نقش به‌رسمیت شناخته‌شده سیاسی در ساختار قدرت نداشتند. مجلس شورای ملی تالی فرمان مشروطیت و تجلی نظام سیاسی جدید بود. با تدوین نظام‌نامه انتخابات به‌منزله نخستین قانون موضوعه مدون سیاسی جدید، سازوکار نخستین انتخابات مجلس شورای ملی معین شد. این نظام‌نامه کاملاً از نقش نیروها و جمعیت‌های صنفی و طبقاتی مؤثر در انقلاب مشروطیت تأثیر پذیرفت و به تبع سهم زیادی در ساختار سیاسی جدید به آن‌ها داد. آنچه در تهران رخ داد، کمابیش در تبریز نیز به‌منزله دومین شهر ایران اتفاق افتاد. نهادهای مردمی و مدنی تازه‌تأسیس وظیفه اجرای نظام‌نامه و برگزاری نخستین انتخابات را در آذربایجان و تبریز برعهده گرفتند و به‌گونه‌ای شگفت‌مانع دخالت و کارشکنی دولت در این امر شدند. فضای سیاسی تبریز و ساختار اجتماعی آن - که در به‌ثمر نشستن اعتراض‌ها نقش مهمی ایفا کرده بود - در انتخابات و نتایج آن نیز تأثیر خود را نشان داد. فارغ از برخی اشکالات، انتخابات آذربایجان و تبریز به گواه ناظران تیزبین، نمایشی مقتدرانه از دموکراسی، مشارکت مردمی و ایفای نقش سیاسی طبقات مختلف با نظم و ترتیب خاص بود. نهادهای مدنی چون انجمن ایالتی، انجمن نظار و تجار و اصنافی که برای اولین بار نقش سیاسی و

اجتماعی بر عهده گرفته بودند، توانستند این وظیفه را در حد امکان و ظرفیت‌ها را به شکل مطلوبی به سرانجام برسانند. نقشی که دیگر هیچ گاه برای اصناف و پیشه‌وران امکان تکرار آن فراهم نشد.^۱

پی‌نوشت‌ها

۱. نظام‌نامه انتخاباتی چند بار تا انقراض دولت قاجار با تغییراتی همراه شد. نخستین تغییر قبل از برگزاری انتخابات دومین دوره مجلس شورای ملی در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ صورت گرفت و کمیته‌ای ۲۰ نفره و انجمن ایالتی تبریز به نمایندگی از انجمن‌های ایالتی کشور مأمور تهیه و تدوین قانون جدید انتخابات شدند. ر.ک: منصوره اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، ص ۲۹۶؛ سید حسن تقی‌زاده، «دوره جدید مشروطیت در ایران»، کاوه. سال ۳، شماره ۲۹ - ۳۰. اسفند ۱۳۳۶ ق. ص ۳؛ زهرا شجیعی، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی. ج ۴. صص ۱۳۸ - ۱۳۹.
۲. برای آگاهی از متن کامل نظام‌نامه انتخابات ر.ک: ناظم‌الاسلام کرمانی. ج ۱. ص ۶۳۸ - ۶۴۴.
۳. در این باره ر.ک: دولت‌آبادی. ج ۲. ص ۵۲۳ - ۵۲۴؛ شجیعی، ج ۴. ص ۱۳۳.
۴. روزنامه ملی از شماره ۱۰ به جریده ملی و از شماره ۳۸ به انجمن تغییر نام داد.
۵. برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک: کسروی، ص ۶۲۳ - ۶۳۱، ۶۷۹ - ۶۸۷ و دیگر صفحات و نیز: مجتهدی، صص ۶۴ - ۶۷.
۶. برای آشنایی با زندگی مختصر میرزا یحیی ر.ک: مجتهدی، صص ۲۴ - ۲۶.
۷. صاحب‌بالاترین رأی در میان طبقات ۶گانه در انتخابات مجلس اول. در حمله عناصر استبداد و روس‌ها به مجلس اول به شهادت رسید.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۴). *مردم در سیاست ایران*. ترجمه بهرننگ رجیبی. تهران: چشمه.
- آدمیت، فریدون (بی‌تا). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*. ج ۲. مجلس اول و بحران آزادی. تهران: روشنگران.
- _____ (۱۹۸۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت*. ج ۱. کانون کتاب ایران.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹). *انقلاب مشروطیت ایران*. ترجمه رضا رضایی. تهران: بیستون.

^۱ این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی "بررسی نقش انجمن تبریز در اداره آذربایجان عصر مشروطه" دانشگاه تبریز است.

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری

- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۱). پیدایش و تحول احزاب سیاسی در ایران. تهران: پیامک.

- احتشام السلطنه (۱۳۶۷). *خاطرات*. به کوشش محمدمهدی موسوی. تهران: زوار.

- احمدی، علی (۱۳۸۹). *انتخابات در ایران*. تهران: میزان.

- اشرف، احمد و علی بنو عزیزی (۱۳۸۷). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. ترجمه

سهیلا ترابی فارسانی. تهران: نیلوفر.

- افشار، ایرج (۱۳۷۸). *نامه‌های تبریز: از ثقه الاسلام به مستشارالدوله (در روزگار مشروطیت)*.

تهران: فرزانه روز.

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳). *المآثر و الآثار*. ج ۱. به کوشش ایرج افشار. تهران:

اساطیر.

- امیرخیزی، اسماعیل (۱۳۸۷). *قیام آذربایجان و ستارخان*. تبریز: آیدین.

- *انجمن (روزنامه انجمن تبریز)*. ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. ۲ جلد. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی

ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی. ۱۳۷۴ - ۱۳۷۶.

- ایروانی، محمدآقا (۱۳۸۰). *منتخبات از تاریخ مشروطه ایران در دو رساله درباره انقلاب*

مشروطیت ایران. به اهتمام عبدالحسین زرین‌کوب و روزبه زرین‌کوب. تهران: سازمان

اسناد ملی ایران.

- ایوانف، م.س (۱۳۵۷). *انقلاب مشروطیت ایران*. ترجمه کاظم انصاری. تهران: شرکت

سهامی کتاب‌های جیبی.

- براون، ادوارد (۱۳۷۶). *انقلاب مشروطیت ایران*. ترجمه مهری قزوینی. تهران: کویر.

- پاولویچ، م و همکاران (۱۳۵۷). سه مقاله درباره انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه م. هوشیار.

تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

- تفرشی، حسینی (تمجیدالسلطان) و میرزا سید احمد (۱۳۸۶). *روزنامه اخبار مشروطیت و*

انقلاب ایران. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۷۹). *تاریخ مجلس شورای ملی ایران*. تهران: فردوس.

- _____ (۱۳۸۶). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران در مقالات تقی‌زاده*. به کوشش

ایرج افشار. تهران: توس.

- _____ (۱۳۳۶ ق). «دوره جدید مشروطیت در ایران». *کاووه*. س ۳. ش ۲۹، ۳۰، ۶

شوال.

- ثقه‌الاسلام تبریزی، میرزا علی (بی‌تا). *مجموعه حوادث یومیة مشروطه در نصرت‌الله فتحی*.

مجموعه آثار قلمی ثقه‌الاسلام تبریزی. تهران.

- _____ (۱۳۸۹). *رسائل سیاسی*. به اهتمام علی اصغر حقدار. تهران: چشمه.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹

- تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی (۱۳۸۸). *مشاهدات و تحلیل اجتماعی، سیاسی از انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- حقدار، علی اصغر (۱۳۸۳). *مجلس اول و نهادهای مشروطیت*. تهران: مهر نامک.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۸۷). *حیات یحیی*. مقدمه و تصحیح مجتبی برزآبادی فراهانی. ج ۲. تهران: فردوس.
- راتیسلو، آلبرت چارلز (۱۳۸۶). *کنسول در شرق: خاطرات جنرال کنسول انگلستان از زندگی سیاسی خود و انقلاب مشروطیت ایران*. ترجمه رجبعلی کاویانی. تهران: مؤسسه توسعه تحقیقات علوم انسانی.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۸۹). *قانون اساسی مشروطه ایران و اصول دموکراسی*. تهران: نیلوفر.
- رسول‌زاده، محمدامین (۱۳۷۶). *گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران*. ترجمه رحیم رئیس‌نیا. تهران: شیرازه.
- سپهر (ملک‌المورخین)، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). *مرآت‌الوقایع مظفری*. تصحیح عبدالحسین نوایی. جلد ۲. تهران: میراث مکتوب.
- سلطان‌زاده (بی‌تا). «جنبش سندیکایی در ایران». در *اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران*. ج ۴. تهران: علم.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴). *پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی*. تهران: اختران.
- شجیعی، زهرا (۱۳۷۲). *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. ج ۴. تهران: سخن.
- شرف‌الدوله، میرزا ابراهیم خان کلانتر باغمیشه‌ای (۱۳۸۶). *روزنامه خاطرات*. به‌کوشش یحیی ذکاء. تهران: فکر روز.
- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲). *واقعات اتفاقیه در روزگار*. ج ۱. به‌کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: تاریخ ایران.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۷۰). *نهضت مشروطیت ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه*. تهران: مرکز مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۹۶). *آزادی و سیاست*. تهران: امید فردا.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فضلعلی آقاتبیزی (۱۳۸۷). *بحران دموکراسی در مجلس اول: خاطرات و نامه‌های خصوصی میرزا فضلعلی آقا*. به‌کوشش غلامحسین میرزا صالح. تهران: نگاه معاصر.
- کتاب نارنجی (۱۳۶۷). *گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری درباره*

نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی... ————— عباس قدیمی قیداری

- انقلاب مشروطیت ایران. ج ۱. به‌کوشش احمد بشیری. تهران. نور.
- کتاب‌های آبی (۱۳۶۳). گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطیت ایران. ج ۱. به‌کوشش احمد بشیری. تهران: نو.
- کسروی، احمد (۱۳۷۳). انقلاب مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
- مجتهدی، مهدی (۱۳۲۷). رجال آذربایجان در عصر مشروطیت. بی‌جا. بی‌نا.
- مذاکرات مجلس (۱۳۲۵). دوره اول تقنینیه. ضمیمه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران. تهران.
- مستشارالدوله، صادق (۱۳۶۱). خاطرات و اسناد. مجموعه اول، به‌کوشش ایرج افشار. تهران: فردوسی.
- ملانصرالدین (روزنامه). س ۱. ش ۲۰. ۱۱ رجب ۱۳۲۴.
- نادر میرزا (۱۳۷۳). تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تبریز: ستوده.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۹۲). تاریخ بیداری ایرانیان. ج ۱. تهران: پیکان.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین قلی‌خان (۱۳۶۱). خاطرات و اسناد. ج ۳. به‌کوشش معصومه نظام مافی و همکاران. تهران: تاریخ ایران.
- ویژه، محمدرضا و حمید قهوه‌چیان (۱۳۹۱). «تحلیلی بر نظام‌نامه انتخابات ۱۲۸۵ مجلس شورای ملی». فقه و حقوق اسلامی. س ۲. ش ۵.
- هدایت (منبرالسلطنه)، مهدی قلی‌خان (۱۳۷۵). خاطرات و خطرات. تهران: زوار.
- (۱۳۶۳). گزارش ایران: قاجاریه و مشروطیت. به
- اهتمام محمدعلی صوتی. تهران: نقره.

**Election System and The first parliamentary elections in
Azerbaijan:
Electoral Code and the First National Assembly Elections in
Azarbayjan (1285 /1324)**

Abbas Ghadimigheidari^۱

Received: 07/06/2019 Accepted:07/09/2019

Abstract

Immediately after the issuance of the constitutional order, the Electoral Code was developed and approved to determine the mechanism for holding the first national assembly elections. Guild and class elections were based on this Electoral Code. The guild-based nature of the elections was closely related to the role played by different social classes in the Constitutional Revolution coming to fruition. Despite the criticisms posed against the Electoral Code, it opened the path to political participation as the first experience on the path to democracy. After Tehran, Tabriz was the second city that set out to hold an election. Public and civil institutions in Tabriz took the responsibility for holding the elections. Despite the problems and ambiguities involved, the first national assembly elections in Azarbayjan is considered as a defensible, progressive and helpful experience in realizing the promise of public participation and the right to determine the country's political and social destiny. The present study is an analysis of the Electoral Code and the elections process in Azarbayjan, Iran, as a central issue in the first democratic experience in Iran and Azarbayjan based on original sources.

Keywords: Constitutional Revolution, Electoral Code, National Assembly, Azarbayjan, Tabriz Association

^۱ Associate Professor of History, Tabriz University (Corresponding author).

Email: ghadimi@tabrizu.ac.ir